ادامه از صفحه قبل

• ۵. ابوالفرج اصفهانی (متوفای ۳۵۶ق) در کتاب الأغانی نوشته است: عبدالواحدبن سلیمان در سال ۱۳۰هجری در شام خطبه‌ای خواند و این مطلب را بیان کرد: «معاویه لعنت‌شده پیامبر اکرمؐ است؛ خودش و پدرش لعنت‌شده هستند. یک انسان رذلی است از اعراب بادیه‌نشین؛ او از پس‌مانده‌های جنگ احزاب است».[۲۶]

این مطلب اشاره به روایتی است که نقل شده: ابوسفیان درحالی‌که سوار بر مرکبی بود و معاویه و برادرش (یزید) از پیش و از پسِ او در حرکت بودند، رسول‌خداؐ آنها را دید و فرمود: «لَعَنَ اللهُ القَائِدَ وَالرَّاکِبَ وَالسَّائِقَ؛ خدا جلودار (پیشرو)، سواره و حرکت‌دهنده (از عقب) را لعنت کند».[۲۷]

• ۶. ابن‌جوزی (متوفای ۵۹۷ق) از امام حسینؑ نقل می‌کند: «گمانم که طاغوت شام؛ یعنی معاویه از بین رفته و پسرش از ما بیعت می‌خواهد».[۲۸]

چنانکه معلوم است، اهل‌سنت، امام حسینؑ (سید شباب اهل‌الجنه) را هم محکوم می‌کنند که چرا از معاویه تعبیر طاغوت کرده است!!؟

وی در کتاب خود نوشته، مأمون عباسی در سال ۲۱۱هجری در بیانیه‌ای اعلام کرد: «کسی که از معاویه به‌نیکی یاد کند یا او را بر هر یک از صحابه مقدم بدارد، خونش هدر است».[۲۹]

همچنین معتضد عباسی در سال ۲۸۴ هجری، تصمیم گرفت که سر منابر معاویه را لعن کنند.[۳۰]

همو می‌نویسد: در سال ۳۵۱ هجری در بغداد (پایتخت بلاد اسلامی) دستور داده شد که بر سردرهای مساجد بغداد نوشته بشود: «لعنت خدا بر معاویه».[۳۱]

• ۷. ابوجعفر نقیب (متوفای ۶۱۳ق) می‌گوید: «معاویه اهل جهنم است، نه به‌جهت اینکه با علیؑ مخالفت کرد و به جنگ با آن‌حضرت برخاست؛ بلکه چون عقیده و ایده‌اش صحیح نبود، ایمانش نیز به‌حق نبود. او جزء سران منافقین بود. او و پدرش هرگز اسلام نیاوردند؛ بلکه به زبان اظهار کردند».[۳۲]

• ۸. ابن ابی‌الحدید[۳۳] (متوفای ۶۵۶ق) می‌گوید: «خیلی‌ها به دین او (معاویه) طعنه زدند، ایراد گرفتند و اکتفا به فسق او نکردند؛ بلکه فراتر رفته و گفته‌اند: او دین ندارد و اصلاً اعتقاد به پیامبر اکرمؐ نداشته است».[۳۴]

همچنین وی در جای دیگر می‌گوید: «معاویه انسان فاسقی بود و به بی‌دینی و انحراف از اسلام شهرت داشت».[۳۵]

همچنین وی می‌گوید: امیرالمؤمنینؑ درباره معاویه، به زیادبن ابیه فرمود: «إنَّ مُعاوِيَةَ کالشَّیطانِ الرَّجیم...؛ حتماً معاویه شیطان رجیم است».[۳۶]

همچنین آن‌حضرت در قبل از جنگ صفین می‌فرماید: «تلاش می‌کنم که زمین را از وجود این (اشاره به معاویه) پاک کنم».[۳۷]

یعنی با بودن معاویه، زمین پاک نیست. با نابود کردنش می‌خواهم زمین را طاهر کنم؛ پس اهل‌سنت باید با امیرالمؤمنینؑ هم موضع بگیرند!!

همو می‌نویسد: هنگامی که معاویه در مسجد کوفه سخنرانی کرد و امیرالمؤمنین علیؑ را لعن کرد. امام حسنؑ در جواب او فرمودند: «خداوند کافرترین ما را و بدترین ما را لعنت کند؛ تمام اهل مسجد گفتند: آمین».[۳۸]

از این عبارت معلوم می‌شود که مردم در زمان خود معاویه، او را قبول نداشتند و ملعون بودن وی را تأیید می‌کردند.

• ۹. ذهبی (متوفای ۷۴۸ق) در کتاب سِیرُ أعلامِ النُّبَلاء، به‌نقل از یحیی‌بن عبدالحمید حُمّانی[۳۹] می‌گوید: «مَاتَ مُعاوِيَةُ علی غَیرِ مِلَّةِ‌الإسلامِ؛ معاویه بر دین اسلام از دنیا نرفت (کافر از دنیا رفت)».[۴۰]

اکنون موضع‌گیری اهل‌سنت معاصر نسبت به حُمّانی را باید دید؛ وقتی می‌گوید: معاویه دین نداشته و کافر از دنیا رفته است؛ چرا جوابی برای این کلام حُمّانی نمی‌دهند؟ چرا نسبت به این قضیه ساکت هستند؟

وی در کتاب خود می‌نویسد: عبدالرزاق صنعانی (متوفای ۲۱۱ق) وقتی که نام معاویه در درسش برده می‌شد، عصبانی می‌شد و می‌گفت: «اسم اینها را ببری هوای کلاس آلوده و کثیف می‌شود. اسم اینها را نبرید!».[۴۱]

همو می‌گوید: عبیدالله‌بن موسی (متوفای ۲۱۳ق)[۴۲] اجازه نمی‌داد، کسی که هم‌نامِ معاویه باشد، در درس او شرکت کند و اگر کسی معاویه نام داشت و در درسش شرکت می‌کرد، استاد درس را شروع نمی‌کرد و می‌گفت: «تا این شخص بیرون نرود، من درس نمی‌گویم».[۴۳]

• ۱۰. رشیدرضا (متوفای ۱۳۵۴ق) که از تندورهای اهل‌سنت است، می‌گوید: «یکی از دانشمندان بزرگ آلمان، به عده‌ای از مسلمانان گفت: «بر ما مردم آلمان لازم است که مجسمه‌ای از طلا برای معاویه‌بن ابی‌سفیان درست کنیم و در بزرگترین میدان‌های برلین نصب کنیم». به او گفته شد: چرا؟ گفت: «زیرا معاویه بود که نظام اسلامی را از اساسِ مردم‌سالاری، به حکومتِ استبداد، سلطه و زور تبدیل کرد و اگر معاویه نبود، اسلام همه جهان را فرا می‌گرفت و اکنون ما آلمانی‌ها و سایر کشورهای اروپایی، عرب و مسلمان بودیم».[۴۴]

آن‌وقت یک عده به‌جای اینکه اظهار تأثر، تألم و تأسف کنند که چنین کسی مانع پیشرفت اسلام شده، از او دفاع می‌کنند که روشش ادامه پیدا کند و بیشتر مانع پیشرفت اسلام شوند!

• ۱۱. سید قطب (متوفای ۱۳۸۷ق)[۴۵] پیروزی معاویه را یک مصیبت می‌داند و می‌گوید: «بالاترین مصیبتی که بر اسلام وارد شد، پیروزی و روی کار آمدن معاویه بود. اگر علی‌بن ابی‌طالبؑ پیروز می‌شد، پیروزی روح حقیقی اسلام بود؛ اما پیروزی معاویه مصیبتی برای اسلام بود».[۴۶] همچنین او می‌گوید: «این‌گونه نبود که معاویه و دوستش عمروبن عاص، بر علی‌بن ابی‌طالبؑ پیروز بشوند، به‌خاطر اینکه آن‌ها حق و سیاستمدارتر از علیؑ بودند؛ بلکه آن دو طلیق بودند و دستشان باز بود و هر سیاستی و هر رفتاری که لازم می‌دیدند، انجام می‌دادند (و خط قرمزی برای آن دو نبود)؛ ولی حضرت علیؑ پایبند به اخلاق بود و از به کار بستن دروغ و غش، خدعه و نفاق، رشوه و خریدن انسان‌ها اجتناب می‌کرد و دست به هیچ‌یک از این کارها نمی‌زد؛ اما آنها دست به همه این کارها می‌زدند».[۴۷]

• ۱۲. یکی از نویسندگان معاصر به‌نام «حسن‌بن فرحان المالکی»،[۴۸] اهل عربستان سعودی، هفت کتاب درباره معاویه با این عناوین نوشته است: «حدیث: معاوية فرعون هذه الأمة»، «بحثُ فی إسلام معاويةبن أبی‌سفیان»، «حدیث: إذا رأیتُم معاوية علی منبری فَأقتُلوُه»، «هَل ماتَ معاوية علی دین‌الإسلام؟»، «قض رأی ابن‌تیمیة فی إسلام معاوية»، «مثالب معاويةبن ابی‌سفیان بالأسانیدالصحیحة» و «سلسلة مع‌المعاصرین (۲): مع سلیمان‌العلوان فی معاويةبن أبی‌سفیان». چرا اهل‌سنت درباره علمای خود هیچ موضعی نمی‌گیرند؟

نکات

▫ ۱. مطالب فوق را بزرگان اهل‌سنت نقل می‌کنند؛ پس اگر کسی امروز مطلبی نسبت به معاویه گفت، اهل‌سنت حق ندارند، او را مورد مؤاخذه قرار دهند؛ بلکه عالمان خود را ملزم نمایند که در مورد معاویه تحقیق کنند!!

▫ ۲. امروز داعش همان اُمویان هستند؛ هرچه داعشی‌ها در این زمان انجام دادند، ادامه‌دهنده همان مسیر بنی‌اُمیه است... جرأت دارند، واقعه حره را برای مردم خودشان در یکی از نماز جمعه‌ها بگویند و بیان کنند که چه اتفاقی افتاد؟!! حرم و مسجد پیامبر اکرم را چه کسی کثیف کرد؟ چه کسی دستور داد، ده هزار نفر را به قتل برسانند؟ چه کسی به نوامیس مسلمانان تجاوز کرد؟ چه کسی دستور دارد که شهر بر لشکریان مباح است؟ همان شجره ملعونه؛ همان یزید فرزند معاویه که معاویه او را روی کار آورد و این جنایات حاصل فعالیت‌های معاویه است.

• توصیه‌های مشفقانه

آن عزیزانی که به هر دلیل بیانیه نوشتند و اعتراض کردند، از آنها تقاضا می‌شود:

▫ ۱. درباره معاویه تجدید نظر و تحقیق کنند؛ هرچه بیشتر تحقیق کنند، حقایق بیشتری برایشان روشن می‌شود؛

▫ ۲. پیامبر خاتمؐ این همه صحابه پاک دارد؛ بر روی آنان سرمایه‌گذاری علمی کنند؛

▫ ۳. محبت ورزیدن نسبت به اهل‌بیتؑ، بین تمام مسلمانان مشترک است؛ چراکه رسول‌اللهؐ درباره مودت و محبت ورزیدن درباره اهل‌بیتؑ و نزدیکانِ خویش تأکید فرموده است: ﴿قُلْ لاأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی‌الْقُرْبی﴾؛[۴۹] همان اهل‌بیتی که خداوند درباره ایشان می‌فرماید: ﴿فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ‌تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ﴾؛[۵۰] حال که چنین است، از آن بزرگواران، دفاع و تعریف کنند و از دشمنان اهل‌بیتِ رسول‌اللهؐ و کسانی که به ایشان ظلم کردند، اظهار تنفر نمایند.

▫ ۴. خطبای اهل‌سنت، کتاب شرح‌المواقف را در خطبه نمازجمعه بخوانند و کلام تفتازانی در شرح‌المقاصد را برای مخاطبان خود بیان کنند و به‌گونه‌ای مردم را راهنمایی نمایند که اطمینان برای انسان حاصل شود که تابع و پیرو شجره طیبه نبوی هستند و این بوی خوش شجره برای فلاح و رستگاریِ ایشان کافی است. همچنین از دادن آدرس شجره خبیثه، متعفن و بدبوی اُموی به پیروان خویش جداً خودداری نمایند تا جامعه توان رشد و پویایی پیدا کند.

شهر مقدس قم/ نجم‌الدین طبسی

دوم شهریور ۱۴۰۱شمسی/ ۲۶محرم‌الحرام۱۴۴۴قمری

• پی‌نوشت‌ها

۱. کامل‌الزیارات، ابن‌قولویه، ص۱۷۶؛

۲. «أن ما وقع بین‌الصحابة من‌المحاربات والمشاجرات علی‌الوجه المسطور فی کتب‌التواریخ و المذکور علی ألسنة الثقات یدل بظاهره علی أن بعضهم قد حاد عن طریق الحق و بلغ حد الظلم والفسق»(شرح‌المقاصد، ج۵، ص۳۱۰؛

۳. «و کان الباعث له الحقد والعناد والحسد واللداد و طلب‌الملک والرئاسة والمیل إلی‌اللذات والشهوات إذ لیس کل صحابی معصوما»(همان)؛

۴. «حُکْم قاتِل عُثْمَان و قاتل‌الزبیر، و قاتل طَلْحَةَ و قاتل سَعِیدبْن جُبَیْر وقاتل عمّار و قاتل خارجة و قاتل الْحُسَیْن. فکلّ هؤلاء نبرأ منهم و نبغضهم فِی‌الله وَنَکِلُ أمورَهُمْ إِلَی‌الله عز وجل»(تاریخ‌الاسلام، ج۳، ص۶۵۴)؛

۵. ابن‌حزم بعد از اینکه توضیح می‌دهد، مجتهد در اجتهاد خود، اگر درست اجتهاد کند، دو ثواب و اگر به خطا رود، یک ثواب برای اوست؛ ولی اجتهاد قاتلان عثمان را نمی‌پذیرد و می‌گوید: «وَلَیْسَ هَذَا کقتلة عُثْمَان رَضِی‌الله عَنهُ لأَنهم لَامجَال للِاجْتِهَاد فِی قَتله لِأَنَّهُ لم‌یقتل أحدا وَ لَا حَارب وَ لَا قَاتل وَ لَا دَافع وَ لَا زنی بعد إِحْسَان وَلَا ارْتَدَّ فیسوغ الْمُحَارَبَة تَأْوِیل بل هم فساق محاربون سافکون دَمًا حَرَامًا عمدا بِلَا تَأْوِیل علی سَبِیل الظُّلم والعدوان فهم فساق مَلْعُون»(الفصل فی‌الملل والأهواء والنحل، ج۴، ص۱۲۵)؛

۶. «عن غیاث‌البکری قال: سألت أباسعید الخدری رضی‌الله عنه عن قتل عثمان، هل شهده أحد من أصحاب رسول‌اللهؐ ؟ قال: نعم، لقد شهده ثمانمائة»(تاریخ‌المدینة المنورة، ج۴، ص۱۱۷۵)؛

۷. اشاره به آیه۱۸، سوره فتح: کسانی که پس از صلح حُدیبیه زیر درخت سدر بر پایداری و وفاداری بر نبوت و رسالت حضرت محمدؐ بیعت کردند.

۸. ابن‌حجر عسقلانی می‌گوید: «صحیح‌ترین تعریفی که در این‌باره ارائه شده، این است: صحابی کسی است که پیامبرؐ را ملاقات کرده باشد...(الإصابة فی تمییزالصحابة، ج۱، ص۱۵۹-۱۵۸)؛

۹. «أما ما جری بعدهم من‌الظلم علی أهل‌بیت النبیؐ فمن‌الظهور بحیث لامجال للإخفاء و من‌الشناعة بحیث لااشتباه علی‌الآراء، إذ تکاد تشهد به‌الجماد والعجماء و یبکی له من فی‌الأرض والسماء و تنهد منه الجبال و تنشق الصخور و یبقی سوء عمله علی کرالشهور و مرالدهور، فلعنةالله علی من باشر، أو رضی، أو سعی، و العذاب الآخرة أشد و أبقی»(شرح‌المقاصد، ج۵، ص۳۱۱)؛

۱۰. اشاره به آیه۶۰، سوره اسراء: مقصود از شجره ملعونه، بنی‌امیه هستند(رک: کتاب سلیم‌بن قیس، ج۲، ص۷۷۳)؛

۱۱. مثالب‌العرب، ص۷۲؛ ربیع‌الابرار، ج۳ ، ص۵۴۹؛ الاغانی، ج۹، ص۴۹؛ العقدالفرید، ج۶ ، ص۸۶؛ شرح نهج‌البلاغة، ابن ابی‌الحدید، ج۱، ص۳۳۶؛

۱۲. رسول خداؐ پس از فتح مکه، تمام دشمنان و مشرکان مکه را آزاد کرد و این‌گونه دستور فرمود: «إذْهَبُوا فَأَنْتُمُ الطُّلَقَاءُ»(امتاع‌الاسماع، مقریزی، ج۱، ص۳۹۱؛ آثارالحرب فی فقه‌الاسلامیة، ذحیلی، ص۲۱)؛

۱۳. «وَاعْلَمْ أَنَّکَ مِنَ‌الطُّلَقَاءِ الَّذِینَ لاتَحِلُّ لَهُمُ‌الْخِلافَةُ»(شرح نهج‌البلاغه، ابن أبی‌الحدید، ج۱۴، ص۳۵)؛

۱۴. شیخین، ص۱۵۹؛

۱۵. ابوهریره، ص۲۰۴؛ سیر اعلام‌النبلاء، ج۲، ص۱۳۲؛ همین مضمون را از عبدالله‌بن عمر آورده است؛ العقد الفرید، ج۴، ص۱۶۰؛ دینوری در المعارف، ص۳۰ نیز، به‌همین مضمون اشاره کرده است؛

۱۶. «رووا الاحادیث عن‌النبی فی فضل معاویة»(منهاج‌السنة، ج ۲، ص ۲۰۷)؛

۱۷. عُمدةُالقاری، ج ۱۶، ص ۲۴۹؛

۱۸. فتح‌الباری، ج ۷، ص ۸۳؛

۱۹. رک: ارشادالساری، ج۶، ص ۱۴۱؛ وفیات‌الاعیان، ج ۱، ص ۷۷؛

۲۰. شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج۱۵، ص۱۷۶؛

۲۱. سیر اعلام‌النبلاء، ج ۱۴، ص۱۳۲ ـ ۱۲۹؛ وفیات‌الاعیان، ج ۱، ص ۷۷؛

۲۲. الرسائل‌الکلامیّه، ص۲۹۷-۲۹۲؛

۲۳. «عن‌الحسن قال: أربع خصال کن فی معاویة لو لم‌یکن فیه منهن إلا واحدة لکانت موبقة انتزاؤه علی هذه‌الامة بالسفهاء حتی ابتزها أمرها بغیر مشورة منهم و فیهم بقایا الصحابة و ذووالفضیلة و استخلافه ابنه بعده سکیراً خمیراً یلبس‌الحریر و یضرب بالطنابیر و ادعاؤه زیادا و قدقال رسول‌اللهؐ الولد للفراش و للعاهر الحجر و قتله حجراً و یلا له من حجر و أصحاب حجر مرتین»(تاریخ طبری، ج۴، ص۲۰۸)؛

۲۴. السنة، ابوبکربن خلال، ج۳، ص۵۰۵، ح۸۰۸؛

۲۵. «أما بعد، فأنت وثنی، ابن وثنی دخلت فی‌الإسلام کرها و خرجت منه طوعا؛ لم‌یقدم إیمانک و لم‌تحذر نفاقک؛ و نحن أنصارالدین الذی خرجت منه و أعداءالدین الذی دخلت فیه والسلام»(العقدالفرید، ج ۵ ، ص۸۶)؛

۲۶. «ثم ولی معاویةبن أبی‌سفیان لعین رسول‌اللهؐ و ابن لعینه و حلف من‌الأعراب و بقیة من‌الأحزاب، مؤلّف طلیق، فسفک‌الدم‌الحرام و اتّخذ عبادالله حولا و مال‌الله دولا و بغی دینه عوجا و دغلا و أحلّ‌الفرج الحرام و عمل بما یشتهیه؛ حتی مضی لسبیله فعل‌الله به و فعل»(الاغانی، ج۲۳، ص ۱۷۳)؛

۲۷. مجمع‌الزوائد، ج ۱، ص۱۱۳ و ج۷، ص۲۴۷؛ تاریخ طبری، ج۱۰، ص۵۴؛ انساب‌الاشراف؛ ج۵، ص۱۴۳؛ عمدةالقاری، ج۳، ص۱۹ و ج۱۸ص۱۶۳؛ جامع‌البیان، ج۶، ص۸۸؛

۲۸. فقال الحسینؑ: «أظن طاغیتهم قدهلک و قدبعث هذا إلینا لیأخذنا بالبیعة قبل أن‌یفشوا»(المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، ج۵، ص۳۲۳)؛

۲۹. و فیها: أمرالمأمون منادیا، فنادی: برئت‌الذمّة ممن ذکر معاویة بخیر أو فضّله علی أحد من أصحاب رسول‌اللهؐ (المنتظم فی تاریخ‌الأمم والملوک، ج۱۰، ص ۲۳۵)؛

۳۰. «و فیها عزم‌المعتضد علی لعن معاویةبن أبی‌سفیان علی‌المنابر»(همان، ج ۱۲، ص۳۷۱)؛

۳۱. و فی شهر ربیع‌الآخر: کتب العامة علی مساجد بغداد: لعن معاویةبن أبی‌سفیان و لعن من غصب فاطمة فدکاً و من أخرج‌العباس من‌الشوری و من نفی أباذر الغفاریّ و من منع من دفن‌الحسنؑ عند جده و لم‌یمنع معزالدولة من ذلک و بلغه أن‌العامة قدمحوا هذاالمکتوب؛ فأمر أن‌یکتب: لعن‌الله الظالمین لآل رسول‌اللهؐ من‌الأولین و الآخرین والتصریح باسم معاویة فی‌اللعن فکتب ذلک(همان، ج۱۴، ص۱۴۰)؛

۳۲. فقال: «کلاّ إن معاویة من أهل‌النار لا لمخالفته علیاً و لا بمحاربته إیاه ولکن عقیدته لم‌تکن صحیحة و لا إیمانه حقا و کان من رئوس‌المنافقین هو و أبوه و لم‌یسلم قلبه قط و إنما أسلم لسانه»(شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج۱۰، ص۲۲۶)؛

۳۳. ابن ابی‌الحدید شیعه نیست؛ کسی مواضع کتابش را نگاه کند، می‌گوید که اهل‌سنت است؛

۳۴. «و قدطعن کثیر من أصحابنا فی دین معاویة و لم‌یقتصروا علی تفسیقه و قالوا عنه إنه کان ملحداً لایعتقد النبوة»(شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج۵، ص۱۲۹)؛

۳۵. «أما معاویة فکان فاسقاً مشهوراً بقلةالدین والانحراف عن‌الإسلام»(همان، ج۷، ص۵۸)؛

۳۶. خطاب به زیادبن ابیه: «إن معاویة کالشیطان‌الرجیم، یأتی‌المرء من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله فاحذره ثم احذره والسلام»(همان، ج۱۶، ص۱۸۲)؛

۳۷. «سأجهد فی أن أطهرالأرض الإشارة فی هذا إلی معاویة سماه شخصاً معکوساً و جسماً مرکوساً»(همان، ص۲۹۱)؛

۳۸. قال أبوالفرج و حدثنی أبوعبید محمدبن أحمد قال حدثنی الفضل‌بن الحسن‌البصری قال: حدثنی یحیی‌بن معین قال: حدثنی أبوحفص اللبان عن عبدالرحمن‌بن شریک عن إسماعیل‌بن أبی‌خالد عن حبیب‌بن أبی‌ثابت قال: «خطب معاویة بالکوفة حین دخلها والحسن والحسینؑ جالسان تحت المنبر فذکر علیاًؑ فنال منه ثم نال من‌الحسنؑ فقام‌الحسینؑ لیرد علیه فأخذه الحسن بیده فأجلسه؛ ثم قام فقال أیهاالذاکر علیا أنا الحسن و أبی علی و أنت معاویة و أبوک صخر و أمی فاطمة و أمک هند و جدی رسول‌الله و جدک عتبةبن ربیعة و جدتی خدیجة و جدتک قتیلة فلعن‌الله أخملنا ذکرا و ألأمنا حسبا و شرنا قدیما و حدیثا و أقدمنا کفرا و نفاقا فقال طوائف من أهل‌المسجد آمین»(همان، ص۴۷)؛

۳۹. از شخصیت‌های بزرگ اهل‌سنت است. ذهبی وقتی که نام او را می‌برد، این‌گونه می‌گوید: «ابن عَبْدِالرَّحْمَنِ‌بنِ مَیْمُوْنِ‌بنِ عَبْدِالرَّحْمَنِ: الحافظ، الإمام‌الکبیر، أبوزکریابن المُحَدِّثِ، الثِّقَةِ أَبِی‌یَحْیَی الحِمَّانِیِّ الکُوْفِیِّ، صَاحِبِ‌المُسْنَدِ الکَبِیْرِ. وُلِدَ نَحْوَ‌الخَمْسِیْنَ وَمائَةٍ» (سیر اعلام‌النبلاء، ج ۸، ص۵۲۱)؛

۴۰. همان، ج ۸، ص۵۲۳؛

۴۱. «لاتقذر مجلسنا بذکر ولد ابوسفیان»(همان، ج۹، ص۵۷۰)؛

۴۲. ذهبی وی را این‌گونه وصف می‌کند: «عُبَیْدُاللهِ‌بنُ مُوْسَی‌بنِ أَبِی‌المُخْتَارِ بَاذَامَ العَبْسِیُّ : الإِمَامُ، الحَافِظُ، العَابِدُ، أَبُومُحَمَّدٍ العَبْسِیُّ - بِمُوَحَّدَةٍ - مَوْلاَهُمْ، الکُوْفِیُّ»(همان، ص۵۵۴-۵۵۳)؛

۴۳. همان، ص۵۵۹؛

۴۴. قال أحد کبار علماء الالمان فی‌الاستانة لبعض المسلمین و فیهم أحد شرفاء مکة: «انه ینبغی لنا أن‌نقیم تمثالاً من‌الذهب لمعاویةبن أبی‌سفیان فی میدان کذا من عاصمتنا (برلین)». قیل له: لماذا؟ قال: «لانه هوالذی حول نظام الحکم الاسلامی عن قاعدته الدیمقراطیة إلی عصبیة الغلب و لو لا ذلک لعم‌الاسلام العالم کله ولکنا نحن‌الالمان و سائر شعوب أوربة عرباً مسلمین»(تفسیرالمنار، ج۱۱، ص۲۶۰)؛

۴۵. سید قطب، معروف به پدر تکفیری‌هاست و معمولاً رگ و ریشه تکفیری‌ها به وی برمی‌گردد؛

۴۶. کتب و شخصیات، ص ۱۳۵؛

۴۷. همان، ص۲۳۵؛

۴۸. حسن‌بن فرحان حسن‌الزغلی الخالدی المالکی، متولد ۱۳۹۰ هجری قمری در منطقه کوهستانی بنی‌مالک در جنوب سعودی (۱۵۰ کیلومتری شرق جازان) است. او در سال ۱۴۱۲ هجری قمری، لیسانس تبلیغ و ارشاد اسلامی را از دانشگاه محمّدبن سعود در ریاض گرفته و در مدینه و مکه نزد علمای طراز اول وهابیت درس خوانده است. المالکی بعد از گذراندن تحصیلات، به تدریس، روزنامه‌نگاری و تألیف اشتغال داشت؛

۴۹. سوره شوری، آیه۲۳؛

۵۰. سوره نور، آیه۳۶.

کتاب «بررسی فقهی اقتصادی حمایت از کالای ایرانی»

کتاب بررسی فقهی اقتصادی حمایت از کالای ایرانی به‌قلم حجت‌الاسلام والمسلمین احمدعلی یوسفی گیلانی، در گروه اقتصاد اسلامی پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و توسط سازمان انتشارات پژوهشگاه به زیور طبع آراسته شد.

توضیح کتاب و هدف نگارش

این تحقیق با هدف تعیین حکم فقهی حمایت از کالای ایرانی و پرهیز از مصرف کالاهای کشورهای خارجی؛ به‌ویژه کشورهای دشمن ایران، نوشته شد. بنابراین به دنبال اثبات این فرضیه است: «مصرف کالاهای خارجی که مشابه داخلی دارند و برای مردم ضروری نیست و از سوی دیگر، مصداق سلطه بیگانگان است، غیرمجاز می‌باشد؛ بنابراین پرهیز از آن‌ها و حمایت از کالاهای تولیدی داخلی در شرایط جنگ اقتصادی دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران، لازم است.»

برای اثبات فرضیه تحقیق با استفاده از ادله فقهی، موضوع حمایت از کالای ایرانی و نیز، پرهیز از مصرف کالای خارجی، به روش اجتهاد مرسوم در حوزه‌های علمیه، بررسی و نتایج مطلوب حاصل گردید. همچنین تلاش شد، نتایج بخش فقهی تحقیق در اختیار دستگاه فقه و افتاء قرار گیرد و از مراجع تقلید، نظر فقهی اخذ شود تا مردم، نهادهای واسط و دولتی با اطمینان بیشتری نتایج تحقیق را دنبال کنند.

سرانجام این تحقیق، به نتایج زیر دست یافت:

۱. حکم فقهی لزوم مصرف کالاهای داخلی و نیز پرهیز از مصرف کالاهای خارجی در شرایط جنگ اقتصادی؛ به‌ویژه کالاهای کشورهایی که در جنگ اقتصادی با کشور اسلام هستند؛

۲. ارائه پاسخ متقن و روشن به شبهات مطرح در لزوم مصرف کالاهای ایرانی و پرهیز از مصرف کالاهای خارجی؛

۳. طراحی و ارائه مدل‌هایی براساس مبانی اسلامی، جهت حمایت از کالای ایرانی؛

۴. فراهم نمودن زمینه علمی و عملی گفتمان‌سازی حمایت از کالای ایرانی با تشکیل جبهه مردمی اقتصاد مقاومتی.

علاقه‌مندان جهت تهیه کتاب، به وبگاه رسمی سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی www.poiict.ir مراجعه کنند.

بررسی فقهی اقتصادی
حمایت از کالای ایرانی
احمدعلی یوسفی
ساخت ایران

◉ فـرزانگـان

شهید سید محمدتقی مرعشی شوشتری

• **تولد:** ۱۳۱۳ شمسی • **وفات:** ۱۳۷۰ شمسی

• **اساتید:** امام خمینی، سیدابوالقاسم خویی و...

• **تألیفات:** شرح بر معالم‌الاصول و...

• **تولد و خاندان:** شهید والامقام آیت‌الله سید محمدتقی مرعشی، یکی از چهره‌های ماندگار حوزه علمیه نجف اشرف است که زندگی پربرکت خود را وقف به مردم و رفع مشکلات آنان و صرف تحصیل علم و تهذیب نفس نمود. در سال ۱۳۱۳ شمسی در بیت علم و فضیلت در نجف اشرف پا به عرصه وجود گذاشت. پدرش آیت‌الله سیدجعفر مرعشی فرزند سیدمحمد مرعشی فرزند آیت‌الله سید سلطانعلی مرعشی از سادات صحیح‌النسب حسینی است که نسبش با ۳۲ واسطه به حضرت حسین‌اصغر، فرزند امام سجادؑ می‌رسد. سر سلسله این خاندان، شخصی به‌نام ابوالحسن علی‌بن ابی‌محمد که نسبش با چهار واسطه با امام سجادؑ می‌رسد. در عصر خویش از سادات بسیار ارجمند و دارای موقعیت بالایی بود.

سید قوام‌الدین مرعشی معروف به سید بزرگ که مرقد او در شهر آمل مازندران قرار دارد و در آن‌جا سکونت دارد و در آن‌جا حکومت علوی تشکیل داد و حکومت ایشان تا زمان تیمور لنگ ادامه یافت، سرسلسله سادات جلیل‌القدر مرعشی می‌باشد. در آغاز قرن هشتم قمری، مرحوم سید نجم‌الدین محمود مرعشی آملی که برای تحصیل علوم حوزوی به عتبات سفرکرده بود، وارد شوشتر شده و به درخواست سیدعزالدین یا عضدالدوله امیر شوشتر در آن شهر ماندگار شد و یگانه داماد آن امیر گردید. بدین ترتیب، سادات مرعشی در شوشتر شکل گرفتند. آن بزرگوار برای ترویج مذهب تشیع، تلاش فراوان نمود و آیین تشیع در دیار شوشتر رواج یافت. جد اعلای شهید سیدمحمدتقی، آیت‌الله سیدسلطانعلی نام داشت که در سال ۱۲۶۵ قمری در شوشتر متولد شد و مراتب تحصیلی خود را در نزد بزرگانی چون شیخ جعفر شوشتری به اتمام رسانید و از موقعیت علمی و فقهی والایی برخوردار گردید و در سال ۱۳۳۳ قمری در حین قرائت زیارت عاشورا رحلت کرد.

آیت‌الله سیدجعفر مرعشی پدر شهید سید محمدتقی از عالمان بزرگ نجف و از شاگردان آیات عظام شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی می‌باشد.

• **تحصیلات و اساتید:** شهید سید محمدتقی مرعشی بعد از پشت سر گذراندن دوران کودکی، در چنین بیت با فضیلتی مانند سایر فرزندان علما و طلاب ایران در مدرسه علوی که تحت اشراف دولت ایران بود، تحصیل کرد و سپس وارد حوزه علمیه شد و در مدرسه منتدالشر که زیر نظر مرحوم آیت‌الله محمدرضا کاشف‌الغطاء بود، موفق به تکمیل مقدمات و سطوح گردید و جهت عمق بخشیدن به مبانی علمی خود، در درس اساتید نامدار نجف اشرف شرکت نموده و زانوی علم بر زمین زد. اسامی اساتید وی عبارتند از: آیت‌الله سیدجعفر مرعشی شوشتریؒ؛ آیت‌الله سیدابوالقاسم خوییؒ؛ آیت‌الله سیدمحسن حکیمؒ؛ امام خمینیؒ.

• **هم‌درسان:** وی با بزرگانی چون شیخ محمدرضا جعفری اشکوری و شیخ محمدصادق جعفری اشکوری و سیدمحمد نوری، شیخ‌عباس جمالی تهرانی هم‌درس و هم‌دوره و هم‌مباحثه بوده است.

• فعالیت‌های علمی و اجتماعی

۱. تألیف: این شهید والامقام دو تألیف به‌نام‌های شرح بر معالم‌الاصول و شرح بر حاشیه منطق ملاعبدالله دارد.

۲. تبلیغ: وی امام جماعت مسجد حاج‌مهدی جبرئیل، واقع در شارع رسول نجف، ضمن اقامه نماز ظهر و عصر، به موعظه و ارشاد و هدایت مؤمنان اشتغال داشت. او در بین مردم به‌عنوان نیکوکار شناخته شده بود.

۳. تبلیغ در خارج عراق: وی با شیعیان امامی هندی‌الاصل که در برخی از کشورهای اروپا، آفریقا و آمریکا سکونت دارند، ارتباط خوبی داشت. این شیعیان که به‌نام «خوجه‌ها» شناخته می‌شوند و ارتباط خوبی با علماء و بزرگان دین داشته و دارند، با دعوت از بزرگان برای تبلیغ عقاید شیعه در این کشورها پیش‌قدم بوده‌اند. سید محمدتقی مرعشی که با این شیعیان و دوستان اهل‌بیتؑ ارتباط نزدیکی داشت، بارها به دعوت آنان به مناطق مختلف اروپا، آفریقا و آمریکا سفر تبلیغی نموده و به ارشاد آنان پرداخت.

۴. مأمن و پناه‌گاه مردم: او مانند پدر و نیاکانش، مأمن خوبی برای مراجعه‌کنندگان بود. به رفع مشکلات مردم و مشاوره دادن به آنان می‌پرداخت. وی مرجعی خوب و مورد احترام همه و حلّال مشکلات عموم مردم بوده است. هرگاه مشکلی برای افراد پیش می‌آمد، سران دولتی می‌گفتند: به سید بفرمایید! این شهید چون شناسنامه عراق داشت، حرفش در ادارات دولتی، بیشتر از ایرانیان مقیم نجف تأثیرگذار بود و نفوذ داشت و برای حل و فصل شکایات و تنظیم سند و خانه و... یکی از افراد مؤثر بود. او حامی خوبی برای محرومان و مستمندان و خانواده‌ها بود. هیچ‌وقت یتیم‌ها، دردمندان و نیازمندان را فراموش نمی‌کرد.

• **شهادت مظلومانه:** شهید مرعشی بعد از سال‌ها تدریس و تبلیغ، سرانجام عاقبت به‌خیر شده و به آرزوی دیرینه خود که همانا شهادت در راه خدا بود، رسید. بعد از انتفاضه در ماه شعبان ۱۴۱۱ قمری، حزب بعث عراق برای سرکوب کردن شیعیان، علمای نجف را گروه گروه دستگیر و در بیرون نجف و در راه کربلا برده و تیر باران کرده و به شهادت رساندند. شهید سید محمدتقی مرعشی به‌همراه دو فرزند گرامیش سیدمحمد و سیداحمد مرعشی که هر دو طلبه بودند، به‌همراه گروهی از علماء شهید توسط مأموران حزب بعث شهید شده و به‌طور دسته‌جمعی در گورستان دفن شده‌اند.

گلشن ابرار، ج ۱۴، ص ۵۱۴ - ۵۰۶؛ ستارگان حرم، ج ۱۱، ص ۳۵ - ۳۳؛ شهداءالعلم والفضیله فی‌العراق، ص ۳۱۹.